

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/11/02

يك تعبير بسيار زیبایی را بلاذري در انساب الأشراف نقل مي کند که:

فقال الحجاج بن غزية الأنصاري أحد بني النجار: والله لو لم يبق من عمره إلا ما بين الظهر والعصر لتقربنا بدمه.

(انساب الاشراف، بلاذري، ج2، ص288).

تعبيري دارد ابن سعد در طبقات الكبرى و ذهبي در تاريخ اسلام که مي گوید:

كان المصريون الذين حاصروا عثمان ستمائة، رأسهم عبد الرحمن بن عديس البلوي، وكنانة بن بشر بن عتاب، وعمرو بن الحمق الخزاعي. والذين أقاموا من الكوفة مائتين رأسهم مالك الاشر. والذين قدموا من البصرة مائة رجل رأسهم

حكيم بن جبلة العبدي

(الطبقات الكبرى: 3 / 71، تاريخ مدينة دمشق: 39/361، تاريخ الإسلام للذهبي: 3/448).

روایتي را تاريخ طبري دارد که اين روايت از هاشم مرقال نقل شده است. هاشم مرقال از صحابة پيغمبر و از قهرمانان شجاع است که از او تعبير مي کنند به «ابطال». ايشان در سال فتح مکه مسلمان شد و از صحابة جليل القدر بود، در قضايای فتوحات نقش بسزايي داشت، در فتح ايران قهرماني هاي عجيبي از خود نشان داد. در جنگ صفين با امير المؤمنين عليه السلام بود و فرماندهي بخش اعظمي از لشکر امام علي به عهده او بود و در همان جا هم شهيد شد.

هاشم مرقال به يکي از جوان هاي شامي که از عثمان دفاع مي کرد گفت:

وما أنت وابن عَفَّان؟ إنَّما قتله أصحاب محمد وأبناء أصحابه وقراء الناس حيث أحدث الأحداث وخالف حكم الكتاب،  
وأصحاب محمد هم أهل الدين وأولي بالنظر في أمور المسلمين منك ومن أصحابك، وما أظن أن أمر هذه الأمة ولا  
أمر الدين عنك طرفة عين قط.

شاهد مثال ما در اين جا بود که عثمان بدعت هاي زيادي را در دين نهاد و قضيه وضو يکي از بدعت هاي بزرگ عثمان بود که در کنار اين ده ها بدعت ديگر هم انجام داده است. و همين بدعت ها بود که باعث قتل عثمان شد.

جالب اين عبارت ابن کثير دمشقي است. اين از آن عباراتي است که هم شنيدني است، هم گفتني و هم حفظ کردني و هم سوختني است. يعني انساني وقتي اين قضايا را مي بيند، با تمام وجود براي مظلوميت حضرت امير آدم مي سوزد. ابن کثير دمشقي، سلفي، متعصب و ضد علي در البداية والنهاية ج7، ص288 اين قضيه را اين گونه نقل مي کند:

وخرج أبو الدرداء وأبو أمامة فدخلوا علي معاوية فقالا له: يا معاوية علي ما تقاتل هذا الرجل؟ فوالله إنَّه أقدم منك ومن أبيك إسلاما، وأقرب منك إلي رسول الله صلي الله عليه وسلم وأحقُّ بهذا الأمر منك.

فقال: أقاتله علي دم عثمان وإنَّه آوي قَتَلْتَهُ، فاذهبا إليه فقولا له: فليقتلنا من قتلة عثمان، ثم أنا أول من بايعه من أهل الشام.

فذهبا إلي علي (ع) فقالا له ذلك، فقال: هؤلاء الذين تريان، فخرج خلق كثير فقالوا: كلنا قتلة عثمان، فمن شاء فليزمننا. قال: فرجع أبو الدرداء وأبو أمامة فلم يشهدا لهم حربا.

(البداية والنهاية، ج 7، ص 288).

ابن قتيبه در الإمامة و السياسة خلق كثير را معنا کرده است. اين عبارت ابن كثير با عبارتي كه ابن قتيبه دارد، معنا پيدا مي كند. ابن قتيبه مي گويد:

فخرج إليهما أكثر من عشرة آلاف رجل، فقالوا: نحن قتلنا عثمان.

(الامامة والسياسة بتحقيق الشيرازي ج 1 ص 128، وبتحقيق الزيني ج 1، ص 96).

البته نصر بن مزاحم يك مقداري پياز داغش را زياد کرده است و شايد حق هم همين بوده است. وي مي نويسد:

فخرج عشرون ألفاً أو أكثر مسربلين في الحديد لايري منهم إلا الحدق فقالوا: كلنا قتله، فان شأؤوا فليروموا ذلك منا.

( وقعة صفين: 190 ).

درد اين جا است كه ابن سعد در طبقات مي نويسد:

أشرف عثمان علي الذين حاصروه فقال: يا قوم لا تقتلوني فاني والٍ وأخ مسلم.. فلما أبو قال: اللهم إحصهم عدداً، واقتلهم بديداً، ولا تبق منهم أحداً.

قال مجاهد: فقتل الله منهم من قتل في الفتنة، وبعث يزيد إلي أهل المدينة عشرون ألفاً، فابحوا المدينة ثلاثاً يصنعون ما شاءوا لمداهنتهم».

(الطبقات الكبرى: 3/67، كنز العمال: 13/86).

نفرین عثمان در سال 35 به اجابت رسید در سال 62. این نهایت بی حیایی است. غیر از بی حیایی واژه دیگری را نمی توان به کار برد.

ابن کثیر از شهاب الدین زهري نقل مي کند که:

سألت الزهري كم كان القتلي يوم الحرة قال: سبعمائة من وجوه الناس من المهاجرين والأنصار، ووجوه الموالي وممن لا أعرف من حر وعبد وغيرهم عشرة آلاف. قال: وكانت الوقعة لثلاث بقين من ذي الحجة سنة ثلاث وستين، وانتهبوا المدينة ثلاث أيام ووقعوا علي النساء حتي قيل إنه حبلت ألف امرأة في تلك الأيام من غير زوج فالله أعلم.

**(البداية والنهاية، ج 8، ص 242).**

این ها را کنار همدیگر بگذارید. نفرین عثمان گرفت، مردم مدینه که در قتل عثمان شرکت کرده بودند، تاوانش را در سال 62 پس دادند. نتیجه 700 نفر از مهاجرین و انصار کشته شدند. و ده هزار نفر هم از غیر صحابه کشته شدند.

بعد به نقل از مدائنی نقل می کند که:

قال المدائني عن أبي قررة قال: قال هشام بن حسان: ولدت ألف امرأة من أهل المدينة بعد وقعة الحرة من غير زوج.

این سه قضیه را کنار هم قرار بدهید. عثمان نفرین می کند، نفرین او به اجابت می رسد، نتیجه نفرین عثمان هزار تا ولد الزنا در مدینه شد.

زنده باد همچنین خلیفه. مرحبا، دستش درد نکند با این نفرین !!! معلوم نیست که این ها می فهمند یا نه؟

پس معلوم می شود که همین مهاجرین و انصار بودند که عثمان را کشتند.

اصحابی که صراحتاً در قتل عثمان شرکت داشتند و معاویه هم بعد از این که مسلط شد، یکی یکی به حساب آن ها رسید. مثل عمر بن حَمِق که از صحابه جلیل القدر پیامبر بوده است. در این که ایشان از صحابه جلیل القدر بوده است همه بزرگان حتی ابن اثیر اعتراف کرده اند. در باره او گفته اند:

وأما عمرو بن الحمق، فوثب علي عثمان فجلس علي صدره وبه رمق فطعنه تسع طعنات وقال: أما ثلاث منهن فإني طعنتهن لله، وأما ست فإني طعنت إياهن لما كان في صدري عليه .

(طبقات ابن سعد: 3/74، تاريخ دمشق: 39/409، تاريخ الطبري: 3/424، الكامل لابن أثير: 3/179، البداية والنهاية: 7/207)

و همچنین ابن شبه نمیری صاحب کتاب تاریخ مدینه منوره هم این تعبیر را دارد:

وقعد عمرو بن الحمق علي صدره فطعنه تسع طعنات. وقال: علمت أنه مات في الثالثة فطعنته ستا لما كان في قلبي عليه.

(تاريخ المدينة المنورة: 4/1233)

عمرو بن حمق را معاویه کشت و اولین سری بود که در تاریخ اسلام شهر به شهر گردانده شد. بدبختی این جاست که زن او نیز در زندان بود، سر او را معاویه با کمال بی حیایی دستور داد که سر او را ببرند و جلوی همسرش بیندازند. کان تحت عمرو بن الحمق آمنة بنت الشريد فحبسها معاوية في سجن دمشق زمانا حتي وجه إليها رأس عمرو بن الحمق فألقي في حجرها فارتاعت لذلك ثم وضعته في حجرها ووضعت كفها علي جبينه ثم لثمت فاه ثم قالت غيبتموه عني طويلا ثم أهديتموه إلي قتيلا فأهلا بها من هدية غير قالية ولا مقلية.

(أسد الغابة، ج 4، ص 101، تاريخ مدينة دمشق، ج 69، ص 40، البداية والنهاية: 8/52).

ابن كثير مي گوید:

طيف به في الشام وغيرها، فكان أول رأس طيف به.

(البداية والنهاية: 8/52).

همچنين طبراني در كتاب الأوائل نقل مي کند و مي گوید:

عن هنيذة بن خالد الخزاعي قال: أول رأس أهدي في الإسلام رأس عمرو بن الحمق أهدي إلي معاوية. وقال: إسناده حسن رجاله ثقات.

(الأوائل للطبراني: 107).

این مسأله از قطعیات تاریخ است. البته برخی گفته اند که عمرو بن حمق رفته بود و در جنگل پنهان شده و مار او را نیش زد و.... همان طور که نسبت به سعد انصاری گفته اند که اجنه او را کشتند.

حالا گیریم که خود او را مارها در جنگل کشتند، آیا سرش را هم مارها جدا کردند؟ آیا سرش را خرس و خوک جلوی همسرش انداخت؟ این ننگ چیزی نیست که با رنگ از بین برود.

البته بحث در باره چگونگی قتل عثمان بسیار طولانی است و اینجا مجالش نیست و علاقه مندان می توانند به کتب تاریخی رجوع کنند، امیدواریم این تحقیق راهگشای حقیقت پویان باشد.

والسلام علي من اتبع الهدی